

صحيفة الحسين عليه السلام

[28] کرد، آن روز که دادخواه محمد، دادگر خدا، ودست وپای تو گواه جنایات تو در آن محکمه باشد، خواهد دانست کدامیک از شما بدبخت تر و بی پناه تر هستید. یزید، ای دشمن خدا ! وپسر دشمن خدا ! سوگند به خدا تو در دیده من ارزش آن را نداری که سرزنش کنم، وکوچکتر از آن هستی که تحقیرت نمایم، اما چه کنم اشک در دیدگان حلقه زده وآه در سینه زبانه می کشد. پس از آنکه حسین کشته شد و حزب شیطان ما را از کوفه به بارگاه حزب بی خردان آورد، تا با شکستن حرمت خاندان پیغمبر پاداش خود را از بیت المال مسلمانان بگیرد، پس از آنکه دست این دژخیمان به خون ما رنگین ودهانشان از پاره گوشتهای ما آکنده شده است، پس از آنکه گرگهای درنده بر کنار آن بدنهای پاکیزه جولان می دهند، توبیخ و سرزنش تو چه دردی را دوا می کند ؟ ! اگر گمان می کنی با کشتن واسیر کردن ما سودی به دست آورده ای، به زودی خواهی دید آنچه سود می پنداشتی جز زیان نیست، آن روز جز آنچه کرده ای حاصلی نخواهی داشت، آن روز تو پسر زیاد را به کمک خود می خوانی واو از تو یاری می خواهد، تو و پیروانت در کنار میزان عدل خدا جمع می شوید، آن روز خواهی دانست بهترین توشه سفر که معاویه برای تو آماده کرده است این بود که فرزندان رسول خدا را کشتی. به خدا من جز از خدا نمی ترسم وجز به او شکایت نمی کنم، هر کاری می خواهی بکن ! هر نیرنگی که داری به کار ببر ! هر دشمنی که داری نشان بده ! به خدا این لکه ننگ که بر دامن تو نشسته است هرگز شسته نخواهد شد.
